بسم الله الرحمن الرحیم

سوره مبارکه عصر

استاد ضرابی آذر۱۳۹۹

جلسه اول ۹۹/۹/۵

آیه شریفه : « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم- به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان:رویکرد کریمه « بسم الله الرحمن الرحیم»

میهمان ظهور دیگری از بی‌کرانه «بسم الله الرحمن الرحیم» - این گنج مکنون الهی- هستیم. رویکردی با طعم و مزّه معنوی حقیقت انسان کامل که اگر بخواهی تنها در یک حرف شاهد آن باشی، می‌شود « واو» و اگر بخواهی در یک کلمه دریافتش کنی می‌شود « العصر » و اگر تفصیل بیشتری از آن را بخواهی در کریمه « الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» به دریافتش انشاءالله موفق خواهی شد.

دست یافتن به مقصود متعالی زندگی، از مبدأ « أنا بشر مثلکم » در عالم طبیعت با تدبرّ در آیات الهی شروع می‌شود و با رسیدن به بلوغ ایمان تحولات عمیقی در انسان صورت می‌گیرد تا به مرحله بالاتر «ثمر دهی و نتیجه ظاهری» می‌رسد و آن، عمل صالح است؛ اما تا رسیدن و ملحق شدن به مطلوب نهایی (حق مطلق) باید آنچنان شود که جز حق نگوید، جز حق نخواهد و جز راه حق نپوید «و تواصوا بالحق » راهی سخت و صعب العبور که تنها و تنها مرکبش، به مدد الهی، همیشه پا به رکاب بودن در فراخواندن خود و دیگران به استقامت و صبر در راه اجرای اوامر محبوب است؛ «و تواصوا بالصبر».

نه فلك راست میسر نه ملك را حاصل آنچه در سر سویدای بنی آدم ازوست

عنوان:نگاهی به سوگندهای ما

تعجب نکنیم اگر گفته شود که همه آنچه از «العصر» تا « الصبر» گفته شد، دامنه ممتد وجود انسان است که از فرش تا عرش رسیده و می‌تواند تنها در یک حرف «واو» از عبارت « والعصر » خلاصه شود. اما اینکه حکایت این «واو» چیست؟ بحث کوتاهی درباره سوگندهای الهی را می‌طلبد.

کلمات مشترک بسیاری وجود دارند که در مورد خداوند و انسان بکار می‌روند: مانند «حبّ» در مورد حقتعالی به معنای « جذب نمودن» و در مورد انسان به معنای « مجذوب شدن» بکار می‌رود یا کلمه « توبه» در مورد خدایتعالی به معنای «بازگشت با رحمت بسوی بنده» و در مورد انسان به معنای « بازگشت از گناه به طاعت الهی» است. از جمله این کلمات «قسم» یا « سوگند» است که در مورد بنده به معنای: واسطه قرار دادن ارزشمندترین چیزهایی است که مورد احترام و اعتقاد مشترک میان انسان‌هاست. مانند قسم به خدا، رسول(ص)، قرآن کریم و امامان (ع) و غیر آن .

پرسیدم از طبیبی احوال دوست گفتا فی بُعدها عذاب فی قربها سلامة

گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم والله ما رأینا حباً بلا ملامة

معمولا این سوگند در جایی استفاده می‌شود که انسان دلیل محکمی برای اثبات مقصود خود ندارد یا مجالی برای اثبات آن نیست، در این وقت به سوگند متوسل می‌شود. «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ - کافران از تو می‌پرسند که آیا این (وعده عذاب) حق است؟ بگو: آری قسم به خدای من که البته حق است و شما از آن هیچ مفرّی ندارید.»(یونس/ ۵۳).

عنوان:نگاهی به سوگندهای رفیق اعلی

در مورد سوگندهای خداوند اینگونه نیست که عاجز از اثبات چیزی شود و به ناچار متوسل به سوگند گردد. معمولا در سوگندهای خداوند در قرآن کریم پس از حروف یا کلمات قسم، حقایقی ارائه می‌شود که در کمال وضوح مقصود سخن را

به اثبات می‌رساند. «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ ما أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ - ن. به قلم و به آنچه می‌نویسند سوگند. که تو به خاطر (لطف و) نعمت پروردگار دیوانه نیستی و همانا برای تو پاداش بی‌پایان است. و حقّاً که تو بر اخلاق بزرگی استواری» (القلم/ ۱)

بشکنم این قلم و پاره کنم این دفتر نتوان شرح کنم جلوه والای تو را

طاق ابروی تو محراب دل و جان من است من کجا و تو کجا؟ زاهد و محراب کجا؟

در این سوره شریفه (عصر)بعد از «واو» قسم ، حقایقی ارائه شده است که چگونگی رسیدن بشری عادی را به مقام خلافت الهی و مظهریت اسماء و صفات او نشان می‌دهد که از منازل ایمان به عمل صالح و از آنجا به ثبات قدم و صبر و استقامت و پیمودن راه حق در گفتار و عمل و نیت خود، مظهر اراده پروردگار خود می‌شود، سخنش سخن او و صفاتش صفات او می‌شود، همان چیزی که خداوند آن را با کلمه «العصر» که عصاره وجود است نام می‌برد و به آن سوگند می‌خورد.

عنوان:غرق در انوار «بسم الله الرحمن الرحیم»

«بِسْمِ اللّهِ خَيْرِ الاسَّماء بِسْمِ الله رَبِّ الارْضِ وَالسَّماء- به نام خداوندی که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، به نام خداوند بهترین نامها، به نام خدا پروردگار زمین و آسمان.»

اکنون که به جلوه خاص « بسم الله الرحمن الرحیم » در سوره مبارکه «العصر» اشاره شد. خداوند را به رحمت رحمانیه و رحیمیه‌اش می‌خوانیم که خداوندا ! مهربانا ! ما را در پیمودن راه وصول به آنچه از هدف و غایت زندگی برایمان قرار داده‌ای، دستگیرمان باش. خداوندا ! مصونمان بدار از خسرانی که ما را در این سوره شریفه به آن هشدار داده‌ای ؛ خسرانی که همانا نرسیدن و باز ماندن از مقصود و هدر رفتن نعمت‌های فراهم آمده از احسان و کرم خداوندگاری ات برای به راه انداختن ما در مسیر رسیدن به لقاء توست .

می‌دانیم که تو هرگز در احسانت کوتاهی نکرده‌ای ولیکن کمالاتی که در پیش روی ما است باید با پای اختیار و طلب و اراده طی شود و بدون آنها بی‌معنا و غیر قابل تحقق است. مهربانا می‌دانیم که دائما هدف، راه و خطرات در کمین را مهربانانه به ما یادآوری کرده‌ای.

معبودا ! توفیق عنایتمان کن که نور معرفتی را که در این سوره مبارکه توشه راهمان کرده‌ای، بی‌کم و کاست دریافت کرده ، درست به کار ببندیم .

محبوبا ! دلبسته لطف و احسان تو هستیم اما مقصودی جز تو نداریم، به همجواری ات پذیرایمان باش به حق آنان که بیش از همه دوستشان داری، یعنی جبیب و خاتم رسولان و خاندان پاکش (افضل صلواتک و برکاتک علیهم اجمعین).

اگر در آینه بینی جمال خویش، بگویی اسیر عشق من آن کس که شد، گناه ندارد

اگر به گوشه قلبم نظر کنی، تو ببینی لوای عشق به جایی زدم که راه ندارد

قسم به عشق که هر عاشقی، اسیر تو گردد گرش برانی از این در، دگر پناه ندارد